

آسیب‌شناسی روش‌های تربیت رفتار محور از منظر قرآن کریم و روایات

علی سفیدیان*

عبدالمجید بحرینی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

چکیده

قرآن کریم، عمل صالح را از مهم‌ترین عوامل سعادت انسان می‌داند و انسانی می‌تواند در انجام عمل صالح موفق باشد که رفتارش مبتنی بر تعالیم وحیانی بوده و از آسیب‌های مورد اشاره در این منابع ارزشمند پرهیز کند؛ بنابراین شناسایی مهم‌ترین آسیب‌های روش‌های تربیت رفتار محور امری ضروری به نظر می‌رسد. از این رو پژوهش حاضر با هدف دست‌یابی به پاسخ این پرسش که از منظر قرآن کریم روش‌های تربیت رفتار محور با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟ به بررسی آیات و روایات پرداخته است و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب از منابع کتابخانه‌ای به این مهم دست یافته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر قرآن کریم و روایات، عامل نبودن امر، خشونت در امر و نهی، مطلق‌انگاری الگوهای غیر معصوم، توقع پیروی کامل متربی از الگوها، افراط و تفریط در پردازش شخصیت الگوها، تشویق کمتر یا بیشتر از حد مجاز، تساوی قائل شدن بین نیکوکار و بدکار، استفاده از تنبیه به جای مدارا، تنبیه بیش از میزان خطا، تنبیه بدنی بی‌مورد، تنبیه بدون حل مشکل، از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که می‌تواند امر تربیت و اصلاح رفتار متربی را مختل ساخته و اثرات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تربیت رفتار محور، روش‌های تربیت، آسیب‌شناسی، قرآن کریم.

* مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، نویسنده مسئول، S.ali4579123@gmail.com

** استادیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، M555bahreini@gmail.com



مقدمه

بی‌تردید تربیت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشر است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و باور او و همچنین اخلاق و رفتار او دارد؛ از این جهت هرچقدر تربیت انسان مورد اهتمام قرار گیرد به همان اندازه زمینه برای تعالی و سعادت او فراهم‌تر خواهد شد. اینکه قرآن کریم تربیت را یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا دانسته و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲). اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. همچنین در سوره مبارکه شمس می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّأها وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاها وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاها وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاها وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (سوره شمس، آیه ۹-۱). سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه چون پی [خورشید] رَوَد. سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد، سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد. در این سوره که بیشترین تعداد سوگند در قرآن کریم را در خود جای داده، بعد حدود یازده سوگند، بحث تزکیه نفس یا همان تربیت نفس را مطرح می‌کند. این‌ها در کنار وجود آیات و روایات زیاد در رابطه با تربیت، گویای اهمیت فراوان آن است.

امر تربیت در جهات گوناگون قابل‌بحث است از مبانی، اصول، اهداف گرفته تا روش‌ها و آنچه این مبانی و اصول را به آن اهداف بلند می‌رساند. روش‌های تربیت است که اگر مربی بتواند مترقی را بر اساس روش‌های صحیح تربیت کند این فرایند را به‌خوبی طی کرده است و این امر در گرو آن است که در انتخاب روش‌ها و شیوه‌ها از بهترین منابع و مآخذ استفاده کند. بهترین منبع در این رابطه قرآن و روایات است زیرا که پیامبر مکرم اسلام که هدف از بعثتش تربیت و تزکیه آدمی است برای بعد از خود و در ادامه فرایند تربیت نفوس می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ الْمُنَزَّلَ، وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ میان شما دو چیز سنگین و گران‌بها می‌گذارم، اگر بدان چنگ زنید هرگز پس از من گمراه نشوید: قرآن و عترت من اهل‌بیتم و این دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من درآیند» (طوسی ۱۴۱۴ ق: ۱۶۲). در این بیان، پیامبر اسلام (ص) ضمن اینکه اهل‌بیت را بهترین نماد



تربیت قرآنی مطرح می‌کند، قرآن کریم و سیره و سخن اهل‌بیت را به‌عنوان منبع موردنظر خود در تربیت انسان برمی‌شمارد.

بیان مسئله

بی‌تردید سرانجام هر انسانی در گرو اعمال و رفتار اوست و در حقیقت رفتار هر فردی نمودی از باورهای عقلی و قلبی اوست. قرآن کریم نتیجه انجام عمل صالح را برای انسان، رسیدن به حیات طیبه می‌داند چنانکه در سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، آیه ۹۷). هر کس کار شایسته انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن باشد، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. در اینکه مراد از حیات طیبه چیست در بین مفسران نظرات مختلفی بیان شده است اما می‌توان گفت حیات طیبه مفهوم گسترده‌ای دارد. زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و هر چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد. ولی با توجه به اینکه در ادامه آن، سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده استفاده می‌شود که حیات طیبه مربوط به دنیا و جزای احسن مربوط به آخرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۱۲: ۳۴۱). این امر نشان از اهمیت رفتار انسان در سرنوشت او دارد قرآن کریم برای تربیت و اصلاح رفتار انسان روش‌های مختلفی را مطرح کرده است که بر اساس آن‌ها انسان می‌تواند به اصلاح رفتار خود و دیگران بپردازد.

مهم‌ترین این روش‌ها؛ روش امر به معروف و نهی از منکر، روش ارائه الگو، روش تشویق، روش تنبیه که اگر به‌درستی انجام شوند نقش زیادی در اصلاح فرد و جامعه ایفا خواهد کرد اما اگر اجرای این روش‌ها با افراط و تفریط و کج‌سلیقگی‌ها همراه شود نه تنها موجب اصلاح نخواهد شد بلکه ممکن است بنیاد فکری و اعتقادی متربی را نسبت به هر امر دینی و معنوی سست سازد و او را به سمت راهزنان فکری سوق می‌دهد. از این رو بایسته است در اجرای روش‌های تربیت رفتاری، هشدارها و آسیب‌های آن نیز جدی گرفته‌شده و از آن‌ها دوری شود و این امر نیازمند شناخت دقیق این آسیب‌ها بر اساس منبعی مطمئن است در این عرصه مورد اعتمادترین منبع برای بازشناسی آسیب‌ها همان تعالیم وحیانی است که از طرف خالق بشریت برای هدایت و اصلاح او نازل شده است. از این رو آسیب‌شناسی روش‌های تربیت رفتاری محور از منظر قرآن کریم و روایات شریف امری ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین این پرسش مطرح



می‌شود که از منظر قرآن کریم و روایات شریفه، روش‌های تربیتی رفتار محور با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

۱- **اهمیت پژوهش:** در صورت انجام این پژوهش نتایج زیر حاصل خواهد شد: الف) اجرای صحیح فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه که موجب اصلاح فرد و جامعه خواهد شد. ب) معرفی الگوهای تعالی بخش که در قرآن کریم بدان‌ها اشاره شده به جوانان جامعه بهترین راه برای هموارسازی مسیر تربیت و تعالی آنان است. ج) آشنایی مربیان با شرایط، ظرفیت‌ها و اولویت‌های لازم‌الرعايه در استفاده از روش‌های امر به معروف و ارائه الگو و تشویق و تنبیه در تربیت موجب استفاده مناسب و بهینه از این روش مهم تربیتی خواهد شد.

۲- **ضرورت پژوهش:** آسیب‌های که در صورت عدم انجام این پژوهش، امر تربیت را با خلل فراوانی مواجه می‌سازد: الف) اگر در اجرای فریضه مهم امر به معروف از آسیب‌های آن اجتناب نشود نه تنها اجرای آن در اصلاح فرد و جامعه تأثیر نخواهد شد بلکه واکنش منفی جامعه را نسبت به امر به معروف و ناهین از منکر به همراه خواهد داشت. ب) اگر در استفاده از روش تربیتی ارائه الگو از آسیب‌های آن پرهیز نشود موجب می‌شود که جامعه در تشخیص شاخصه‌ها و مصادیق الگوهای شایسته دچار اشتباه شده و به جای استفاده از ظرفیت‌های تربیتی الگوهای شایسته، از الگوهای ناشایست پیروی کنند و این امر خود سهم مهمی در فزونی ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. ج) استفاده از روش تربیتی تشویق و تنبیه، شرایط و اولویت‌ها و آسیب‌هایی دارد که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها نه تنها باعث از بین رفتن بهترین فرصت‌های تربیتی خواهد شد بلکه ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری در روان متربی ایجاد سازد.

اهداف پژوهش

۱- **هدف اصلی:** تبیین آسیب‌های روش‌های تربیتی رفتار محور از منظر قرآن و روایات.

۲- هدف‌های فرعی:

۲-۱- تبیین آسیب‌های روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر؛

۲-۲- تبیین آسیب‌های روش تربیتی ارائه الگو؛

۲-۳- تبیین آسیب‌های روش تربیتی تشویق؛

۴-۲- تبیین آسیب‌های روش تربیتی تنبیه؛

پرسش‌های پژوهش

۱- پرسش اصلی: از منظر قرآن کریم و روایات، روش‌های تربیتی رفتار محور با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟

۲- پرسش‌های فرعی:

۱-۲- از منظر قرآن کریم و روایات شریفه، روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟

۲-۲- از منظر قرآن کریم و روایات شریفه، روش تربیتی ارائه الگو با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟

۳-۲- از منظر قرآن کریم و روایات شریفه، روش تربیتی تشویق با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟

۴-۲- از منظر قرآن کریم و روایات شریفه، روش تربیتی تنبیه با چه آسیب‌های احتمالی مواجه است؟

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش انجام، آمیزه‌ای از روش توصیفی-تحلیلی است به این بیان که با مراجعه به آیات و روایات مهم‌ترین روش‌های تربیت رفتار محور مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. سپس با استفاده از آیات و روایات و تفاسیر موجود، به کشف و بررسی مهم‌ترین آسیب‌های احتمالی مربوط هریک از روش‌ها اقدام گردید.

تعریف مفاهیم

۱- تربیت: تربیت^۱ از «ربو» به معنای زیادت گرفته شده است. رب‌الشیء: یعنی آن شیء رشد و نما یافت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۱۲۶). راغب اصفهانی می‌گوید: «رَبَّيْتُ» از واژه «ربو» است و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی «رب» است و در معنای «رب» می‌نویسد: رب، در اصل به معنای تربیت است و



معنای آن ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حدّ کمال و تامّ خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ ق: ۳۴۰).

شهید مطهری (ره) در تعریف «تربیت» می‌گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن. یعنی استعداد‌های درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن» (مطهری، ۱۳۸۸: ۵۶). برخی نیز «تربیت» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: تربیت عبارت است از «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۴). بنابراین در تربیت کار مربی فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل مختلف جهت به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد‌های درونی متربی به صورت تدریجی، در جهت مطلوب، با استفاده از روش‌های صحیح و مناسب است.

در اصطلاح عبارت است از: «انتخاب رفتار یا گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعداد‌های نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی، به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند» (امینی، ۱۳۸۴: ۲۷).

۲- تربیت رفتار محور: منظور از تربیت رفتار محور^۱ در این پژوهش، شیوه‌ای از تربیت است که در آن مربی مستقیماً با رفتار متربی سروکار دارد و مربی می‌خواهد با استفاده از روش‌های خاصی، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در وی ایجاد و تثبیت نماید. در حقیقت در تربیت رفتاری، به روش‌ها، مهارت‌ها، شیوه‌ها و راهبردهایی پرداخته می‌شود که مربیان در جهت بهبود رفتار متربی از آن‌ها استفاده می‌کنند تا به این وسیله مشکلات رفتاری او را اصلاح نمایند.

از این رو بخش مهمی از روش‌های تربیت، روش‌های ناظر به جنبه رفتاری هستند؛ زیرا هرچند روش‌های شناختی و عاطفی هم به تغییر رفتار منتهی می‌شود، ولی همانند روش‌های رفتاری به‌طور مستقیم با رفتار فرد ارتباط ندارد، بلکه ابتدا به شناخت و عاطفه وی مربوط می‌شود، سپس نتیجه آن به رفتار سرایت می‌کند.

۳- روش‌های تربیت: روش به معنای «راه، طریق، طرز کار، شیوه و اسلوب» است (دهخدا، ۱۳۷۳، ماده روش). در اصطلاح، «دستورالعملی است که به انسان می‌گوید برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید کرد» (باقری، ۱۳۸۲: ۶۴).



با توجه به مفهوم روش و تربیت، می‌توان گفت روش‌های تربیت عبارت است از «مجموعه شیوه‌ها و رفتارهایی که جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به فعلیت رساندن استعدادهای او به کار گرفته می‌شود» و یا «شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی جهت تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می‌بندد» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۲۹)؛ و به عبارتی، «فنون و شیوه‌ها و رفتارهایی که اهداف و اصول تعلیم و تربیت را به ثمر می‌رساند و به آن‌ها عینیت می‌بخشد» (بهشتی و دیگران، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۳۳)؛ و یا «رفتارها و گفتارها و حالت‌هایی که با هدف تأثیرگذاری بر مربی از مربی صادر می‌شود و در تحقق اهداف تربیتی مؤثر می‌افتد» را روش‌های تربیتی گویند (قائم‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۳).

۴- آسیب‌شناسی: آسیب در لغت به معنای عیب و نقص، آفت و بلا، زیان و ضرر آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۵۵) و آسیب‌شناسی^۱ در لغت به معنای آگاهی یافتن از عیب و نقص چیزی است؛ و مقصود از آن در این تحقیق، شناسایی افراط‌ها و تفریط‌ها و کج‌اندیشی‌ها و کج‌روی‌هایی است که در بکارگیری روش‌های تربیت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

در مورد آسیب‌شناسی روش‌های تربیت، کتب و مقالاتی مختلفی تألیف شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

کتاب «تربیت اسلامی: ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی» (حاجی‌ده‌آبادی و صادق زاده، ۱۳۸۰) که شامل مجموعه مقالاتی در مورد تربیت دینی است. در این کتاب تنها چند مقاله با موضوع مورد نظر این تحقیق ارتباط بیشتری داشته‌اند که بدان پرداخته می‌شود:

در مقاله اول به بررسی آسیب‌هایی که در تربیت دینی رخ داده پرداخته و آن‌ها را ناشی از سوء فهم و عمل نسبت به دین و تربیت دینی می‌داند و اشاره چندانی به آسیب‌شناسی روش‌های تربیت رفتار محور ندارد. در مقاله پنجم تنها آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی مورد بررسی قرار گرفته است و درصدد احصاء آسیب‌های روش‌های تربیت رفتار محور از منظر آیات و روایات نیست. در مقاله ششم از آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی (ع) سخن به میان آمده است و اشاره درخوری به بحث و آسیب‌شناسی روش‌های تربیت رفتار محور آن‌ها نشده است. در مقاله هفتم عوامل آسیب‌شناسی



تربیت دینی نوجوانان و جوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد و بحثی از روش‌های تربیت رفتار محور و آسیب‌شناسی آن‌ها نشده است.

کتاب «آسیب‌شناسی روش‌های تربیتی» (رضایی و مهدوی پارسا، ۱۳۸۹). در این نوشتار پس از ارائه توضیحاتی درباره معنا و اهمیت تربیت و تأثیر تربیت کارآمد بر فرزندان، به آسیب‌هایی اشاره می‌شود که ممکن است به سبب ناآگاهی یا بی‌توجهی والدین و مربیان به شیوه‌های تربیتی، به فرزندان وارد شود. آسیب‌های وراثتی، آسیب‌های محیطی، آسیب‌های ناشی از مربیان و ضعف‌های تربیتی ناخواسته والدین (نازپروردگی، تنبیه و تشویق، تبعیض و بی‌عدالتی و ...) اهم آسیب‌هایی هستند که در مجلد حاضر به آن‌ها پرداخته شده و تا حدی روش‌های صحیح جانشین نیز مطرح شده‌اند.

کتاب «روش‌های آسیب‌زا در تربیت» (قائمی مقدم، ۱۳۹۰) که در نه فصل، به مواردی از آسیب‌هایی که ممکن است موفقیت مربی را در امر تربیت کاهش دهد می‌پردازد.

ایشان در فصل هفتم این کتاب به روش تنبیه می‌پردازد و در فصل هشتم، رابطه روش‌های آسیب‌زا و خود پنداره انسان و در فصل نهم، عوامل به‌کارگیری روش‌های آسیب‌زا مورد بررسی قرار گرفته است. گرچه در قسمت‌هایی از این کتاب به برخی از آسیب‌های مربوط به روش‌های تربیت اشاره کرده اما هدف اصلی آن بیان روش‌های آسیب‌زا در تربیت است نه آسیب‌های مربوط به روش‌های تربیت رفتار محور؛ بنابراین این پژوهش، متفاوت از آن اثر است.

مقاله (صالحی، ۱۳۹۳) با عنوان «نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روش‌های تربیتی» که با روش توصیفی تحلیلی به استخراج اصول و اهداف و روش‌های تربیتی پرداخته و روش‌هایی مانند استفهام، محبت، ملاحظت، موعظه و مواردی دیگر اشاره می‌کند. روش‌هایی که در این تحقیق مطرح شده است بیشتر روش‌های عقلی و عاطفی هستند و ایشان اشاره‌ای به روش‌های رفتاری و آسیب‌شناسی آن‌ها ندارد.

پایان‌نامه (هاشمی، ۱۳۹۳) با عنوان «تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی (ع)» که با روش تحلیل محتوا و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به بیان روش‌هایی تربیت اخلاقی پرداخته و معتقد است مربی باید در تربیت خود از روش‌های الگوسازی، احترام گذاشتن، تعافل، تزکیه و تهذیب نفس، تمرین، تکرار و عادت دادن، محاسبه، موعظه، عبرت‌آموزی، عفو مبالغه، مبالغه در تشویق و توبه در جهت نیل به اهدافی مانند تقوا، قناعت، سماجت و پرورش روح عدالت‌خواهی بهره‌گیرد. در این پایان‌نامه نیز به آسیب‌شناسی روش‌های تربیت اشاره‌ای نشده است.



مقاله (رضایت، ۱۳۹۴) با عنوان «روش‌های تربیت کودک تا هفت‌سالگی در اندیشه امام علی(ع)». این تحقیق که با استفاده از روش تحلیل محتوا به استخراج روش‌های تربیت بر مبنای دیدگاه حضرت علی (ع) پرداخته است، به روش‌هایی مانند محبت، الگوسازی، تنبیه، تشویق، داستان، دعا و مواردی دیگر اشاره می‌کند اما از آسیب‌شناسی این روش‌ها سخنی به میان نمی‌آورد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در خصوص آسیب‌شناسی روش‌های تربیت رفتارمحور کتاب یا مقاله مستقلی تألیف نشده است. از این رو می‌توان گفت: این پژوهش به لحاظ پرداختن به روش‌های مختلفی از تربیت رفتار محور و حجم آسیب‌های مطرح‌شده و طرح آسیب‌های هر روش به صورت مستقل و در تقسیم‌بندی مربوط به خود، می‌تواند موارد بیشتر و درعین حال کاربردی‌تری از روش‌های تربیت رفتار محور و آسیب‌شناسی آن‌ها از منظر قرآن کریم و روایات شریفه ارائه دهد؛ هرچند در این عرصه هنوز هم ضرورت تحقیق بیشتر، مشهود است.

مبانی نظری پژوهش

تربیت که همان پرورش و به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه است، فرایندی است که در جهت رشد و تعالی همه‌جانبه‌متربی و تأمین خوشبختی و سعادت او شکل می‌گیرد. در این فرایند مربی سعی می‌کند نوع نگاهی که نسبت به خدا، جهان و انسان دارد را به مخاطب منتقل کند و بر مبنای این نوع نگاه مقصد و مسیری که برای خود ترسیم کرده است را برای مخاطب نیز به تصویر بکشد. این نکته نشان از شدت تأثیر مربی در مخاطب و نقش او در آینده‌متربی دارد.

تربیت به اعتبارات مختلف انواع گوناگونی دارد اما به جهت نوع مواجهه با متربی به سه نوع تقسیم می‌شود: الف) تربیت ناظر به بعد شناختی انسان؛ ب) تربیت ناظر به بعد عاطفی انسان؛ ج) تربیت ناظر به بعد رفتاری انسان؛ زیرا در فرایند تربیت، مربی با ابعاد مختلف تربیتی متربی مواجه است و برای همه آن ابعاد باید هدف و برنامه و روش مشخصی داشته باشد. این ابعاد را به‌طور کلی می‌توان به سه بخش شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد. از این رو روش‌های تربیتی که ناظر به بعد شناختی انسان هستند را روش‌های تربیت شناخت محور و روش‌های تربیتی که ناظر به بعد عاطفی انسان هستند را روش‌های تربیت عاطفه محور و روش‌های تربیتی که ناظر به بعد رفتاری انسان هستند را روش‌های تربیت رفتار محور نامیده می‌شود. به این ترتیب روش‌های تربیت را می‌توان به روش‌های شناخت محور، روش‌های



عاطفه محور و روش‌های رفتار محور تقسیم کرد. در حقیقت این دسته‌بندی ناظر به چگونگی تأثیر مربی بر مربی است و به‌گونه‌ای مراحل تأثیرگذاری در مربی را بیان می‌کند.

یکی از ابعاد تربیتی بشر، بعد شناختی اوست که به اندیشه او مربوط می‌شود. در این بخش مربی باید اندیشه مربی را نسبت به حقایق تعالی بخش از هستی، انسان و مهم‌تر از همه خالق هستی آشنا سازد و نحوه پیوند آنان با یکدیگر را تبیین سازد. در این راستا با بهره‌گیری از روش‌های تربیت شناخت محور، به بارور ساختن اندیشه او پردازد تا در کنار موفقیت در شناخت حق، بتواند در مقابل راهزنان اندیشه نیز از حقانیت اندیشه خود دفاع کند بنابراین طبیعی است که خداوند متعال مردم را به تفکر و تعقل تشویق نماید. علامه طباطبایی (ره) درباره اهمیت جایگاه عقل و اندیشه چنین می‌گوید: «اگر کتاب الهی را به گونه‌ای کامل تفحص کرده و در آیاتش دقت شود، بیش از سیصد آیه وجود دارد که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده و یا به پیامبر استدلالی را برای اثبات حقی و یا از بین بردن باطلی، آموخته است. خداوند در قرآن حتی در یک آیه، به بندگان خود امر نفرموده که نفهمیده به خدا و یا هر چیزی که از جانب اوست، ایمان آورند و یا راهی کورکورانه پیمایند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۲۵۴ - ۲۵۶).

در این عرصه مربی با بهره‌گیری از روش‌های تربیت شناخت محور، مأموریت تربیت شناختی مربی را به سرانجام می‌رساند. منظور از شیوه‌های شناختی، شیوه‌های به‌کاررفته در منابع اسلامی به‌ویژه قرآن کریم است که در جهت رشد و شکوفایی فکر و اندیشه و خردورزی بشر قابل استفاده بوده و به فرد آگاهی و شناخت می‌دهد. اگر انسان این شیوه‌ها را در زندگی خود به کار گیرد، یقیناً به رشد عقلی و فکری رسیده، از تقلید کورکورانه و کارهای غیرعقلانه دوری خواهد کرد.

دومین بعد از ابعاد تربیتی انسان که مربی باید برای آن هدف، برنامه داشته باشد، بعد عاطفی انسان است. عاطفه، احساسی است درونی که پشتوانه دیگر خواهی در انسان است و در تربیت دینی بر عواطف انسانی تأکید بسیاری شده است؛ زیرا از این نظر انسان قادر است گرایش درونی خود را بر اساس مهر و محبت به هموعان خود اظهار کند و از این راه به ایجاد پیوند قلبی و انس و الفت با آن‌ها پردازد. این استعداد با تضعیف خودخواهی و سوق دادن انسان به سوی دیگران، عامل رشد بسیاری از فضائل انسانی می‌شود. نیروی عاطفی در انسان کلید تحصیل فضایی است که در اثر دیگر خواهی و همونوع گرایی در انسان به وجود می‌آیند.



تربیت عاطفی زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که جنبه‌هایی از شخصیت انسان، یعنی خلق‌و‌خو و احساسات و عواطف و هیجانات او به‌طور معقول و هماهنگ با دیگر جنبه‌های شخصیت، آشکار و شکوفا شود و راه را برای کسب عواطف عالی‌ه انسانی بگشاید.

روش‌های تربیت عاطفه محور، روش‌هایی است که در آن‌ها سعی می‌شود عواطف متربی را تحریک ساخته و با او فصل مشترک‌هایی پیدا کرد و از آن‌ها برای اثبات عواطف و صمیمیت بهره جست. فصل مشترک‌های عاطفی، زمینه‌ای برای نفوذ در اعماق شخصیت طرف مقابل است تا از این طریق بتوان دست به کار تحولات روحی و ذهنی مناسب شد و او را از مرز انسان موجود به انسان مطلوب تعالی بخشید.

سومین بعد از ابعاد تربیتی انسان که مربی باید برای آن هدف، برنامه داشته باشد بعد رفتاری انسان است هرچند روش‌های شناخت محور و عاطفه محور هم درنهایت به تغییر رفتار منتهی می‌شود، ولی همانند روش‌های رفتاری به‌طور مستقیم با رفتار فرد ارتباط ندارد، بلکه در روش‌های شناخت محور، ابتدا به اصلاح باور و شناخت می‌پردازد و در روش‌های عاطفه محور ابتدا به تحریک عواطف و تغییر انگیزش او می‌پردازد، سپس نتیجه آن به رفتار سرایت می‌کند اما روش‌های تربیت رفتار محور، روش‌هایی است که مستقیماً با رفتار متربی سروکار دارد و مربی می‌خواهد با استفاده از این روش‌ها، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در وی ایجاد و تثبیت نماید.

تربیت رفتار انسان، نقش مهمی در تربیت و تعالی انسان دارد؛ زیرا هرچند انسان در بعد شناختی و عاطفی به‌خوبی تربیت شده باشد اما ممکن است در اثر اشتباه در تشخیص راه و کار صحیح از باطل، دچار اشتباهات رفتاری گردد که در این صورت مربی باید با بهره‌گیری از روش‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، ارائه الگو، تشویق و تنبیه به تصحیح اشتباهات رفتاری او بپردازد تا تکرار خطاها زمینه را برای تباهی وی فراهم نیاورد؛ زیرا که بر اساس تعالیم دینی تکرار هر کاری، آن را در انسان نهادینه و ملکه می‌سازد و خصائصی را در انسان ایجاد می‌کند تا حدی که اگر این کار تکرار شده، گناه صغیره باشد، تکرار آن اصرار در گناهان صغیره نامیده می‌شود و چنین امری مانند گناه کبیره انسان را از مدار عدالت و سعادت خارج می‌سازد. حال اگر رفتار این فرد در منظر دیگران باشد و به جهت جایگاهی که دارد افراد زیادی از او تأثیرپذیری داشته باشد در این صورت رفتار نادرست چنین فردی موجب انحراف افراد بیشتری خواهد بود؛ بنابراین تسریع در اقدام برای تغییر و اصلاح چنین فردی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.



رفتار متربی از این جهت قابل توجه است که به خوبی آینه تمام نمای از باورها و تفکرات متربی است. به تعبیر دقیق‌تر از کوزه همان برون تراود که در اوست. حتی می‌تواند انعکاسی از شرایط خانواده، مدرسه، معلم، دوست و سایر عناصر تعلیم و تربیت مخاطب باشد تا با آسیب‌شناسی بهنگام توسط مربی کار بلد، بتواند فوری‌ترین و برترین روش را در علاج آسیب‌های کشف شده در تربیت متربی بیابد که بی‌شک روش‌های رفتار محور در این شرایط بهترین علاج هستند؛ زیرا با ملاحظه روش‌های تربیت رفتار محور مانند امر به معروف و نهی از منکر، ارائه الگو، تشویق و تنبیه، مشخص می‌شود این روش‌ها علاوه بر اصلاح رفتار مخاطب، به خوبی می‌تواند حتی در وادی اصلاح باورها نیز در متربی اثرات شایانی داشته باشد.

در تربیت و اصلاح رفتاری باید اموری را در نظر داشت که عبارت‌اند از: الف) باید به اندازه درک و توان مخاطب باشد به این معنا که هرگز نمی‌توان از کودک انتظار داشتن رفتاری بسیار سنجیده و منطقی داشت همان‌طور که از انسان بالغ نمی‌توان انتظار داشت که در مقابل دیگران رفتاری بچه‌گانه داشته باشد.

ب) باید بر اساس مبنایی ثابت و استوار باشد تا متربی بتواند بر آن مبنا خود را منطبق سازد نه اینکه در شرایطی از او انتظار رفتاری داشت و در شرایط دیگری منتظر رفتاری برخلاف رفتار سابق از مخاطب بود که در این صورت متربی دچار تضاد روحی شده و هیچ‌گاه نمی‌تواند تشخیص دهد که در چه شرایطی، چه رفتاری برآورنده اوست.

ج) باید محدودیت‌های مخاطب در اعمال و رفتار او در نظر گرفته شود زیرا بدیهی است که همگان از لحاظ شرایط روحی، جسمی و سایر مسائل در یک سطح نیستند.

د) از مقایسه رفتار متربی با دیگران باید به شدت اجتناب کرد زیرا این کار در درازمدت نه تنها به اصلاح رفتار متربی کمک نمی‌کند بلکه باعث ایجاد نفرت از طرف مخاطب و ترک همیشگی آن رفتار مورد سفارش خواهد شد.

ه) باید به ویژگی‌های مخاطب از حیث درون‌گرا و برون‌گرا بودن توجه داشت زیرا این دو گروه هیچ‌گاه نمی‌توانند در مواجهه با دیگران و جامعه، رفتاری مشابه یکدیگر از خود بروز دهند.

روش‌های تربیت رفتار محور در قرآن و روایات



۱- **روش امر به معروف و نهی از منکر:** روش امر به معروف و نهی از منکر^۱ یکی از روش‌های تربیتی است که در قرآن کریم و روایات شریفه مورد اهتمام فراوان است تا جایی که آن را از فروع دین برشمرده‌اند و حتی قرآن کریم دلیل برتری امت اسلامی را ایمان به خدا و انجام این دو فریضه دانسته و می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۰). شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدیدار شده‌اید، که به کارهای پسندیده فرمان می‌دهید و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارید و به خدای ایمان دارید.

و در آیه دیگر خداوند متعال به امر به معروف و نهی از منکر دستور می‌دهد و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)؛ و باید از شما گروهی باشند که به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازدارند و آنان اند رستگاران.

قرآن کریم در ستایش حضرت اسماعیل، آنچه را که مهم می‌داند و در اولین فراز بیان می‌کند، امر به معروف آن حضرت است و می‌فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (سوره مریم، آیه ۵۵)؛ و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.

۲- **روش ارائه الگو:** ارائه الگو از روش‌های مؤثر در فرایند تربیت است که متربی سعی می‌کند خود را در گفتار و رفتار با کسی که از جهتی او را برتر می‌داند منطبق سازد. الگوپذیری در واقع از حس کمال طلبی انسان ناشی می‌شود و این یک گرایش فطری در نهاد بشر است که هر قدر الگوی مورد نظر و نمونه ارائه شده از کمالات بیش‌تری برخوردار باشد، تلاش متربی برای هماهنگ‌سازی خود با او بیش‌تر خواهد بود.

در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد تا متربی بتواند به پیروی از او بپردازد. در میان روش‌های تربیت دینی، روش الگویی، به دلیل عینی و کاربردی بودن، از نفوذ و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. قرآن کریم از پیغمبر اکرم (ص)^۲ و حضرت ابراهیم (ع)^۳ به‌عنوان اسوه حسنه یاد کرده و جهانیان را به الگوگیری از آنان فراخوانده است. علاوه

۱- به جهت اشتراکات فراوانی که این دو روش باهم دارند هم از این جهت که معمولاً در آیات و روایات در کنار هم ذکر شده‌اند و هم از جهت آسیب‌ها (به دلیل تقابل این دو با یکدیگر) این دو روش در یک عنوان بررسی شده است.

۲- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (سوره احزاب، آیه ۲۱).

۳- قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ (سوره ممتحنه، آیه ۴).



اینکه در آیات متعددی از الگوها در قالب عناوینی کلی، مانند مؤمنین، متقین، صادقین، محسنین، اولوالالباب، اولی الابصار و عباد الرحمن یاد شده است. گاه از برخی نمونه‌های انسانیت سخن رفته و معیارهای الگوگیری در قالب داستان زندگی آن‌ها ترسیم گردیده است. ثبات قدم و استواری پیامبران، ادب آنان با خداوند تعالی^۱، روش زندگی آنان، رابطه استاد و شاگردی حضرت خضر (ع) و حضرت موسی (ع) و اوصاف نیکان و خوبان در قرآن کریم انسان را به الگوگیری و روش الگویی رهنمون می‌سازد (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

امام علی (ع) درباره نقش الگویی ائمه اطهار(ع) و لزوم تأسی به ایشان در ابعاد ولایی و تربیتی می‌فرماید: «انظروا أهلَ بیتهِ نَبیکُمُ فالزَمُوا سَمَیْهِمُ وَ اتَّبِعُوا آثَرَهُمُ فَلَنْ یُخْرِجُکُمْ مِنْ هُدًی وَ لَنْ یُعیدُکُمْ فِی رَدًی فَاِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ اِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَا تَسْفِیْهُمُ فَتَضِلُّوا وَ لَا تَتَّخِرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِکُوا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید. که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آن‌ها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید.

۳- روش تشویق^۲: هر انسانی به فطرت خود متمایل به کامل‌تر شدن است. تشویق و قدردانی میل به کمال بیشتر را در انسان برمی‌انگیزد و او را به انجام دادن عمل نیک ترغیب می‌کند و به او نیرو و قدرت می‌بخشد تا بیشتر تلاش کند. تشویق موجب رضایت شخص از عملکرد خود و پیدایش شورونشاط و رفع ملالت و کسالت او می‌گردد و همچنین سبب ایجاد حس توانمندی در اشخاص می‌شود.

در قرآن کریم موارد متعددی وجود دارد که خداوند متعال مؤمنان را مورد تشویق قرار داده است و پیامبر گرامی‌اش را فرمان می‌دهد که مؤمنان را تشویق نماید مانند آنچه در سوره انفال آمده و می‌فرماید: «یا ایُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلَی الْقِتَالِ اِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ وَ اِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ

۱- وَ ذَا النُّونِ اِذْ دَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمٰتِ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ (سوره انبیاء، آیه ۸۷).

۲- ممکن است عده‌ای روش تشویق را در زمره روش‌های عاطفی به شمار آورند و این تصور در نوع خود تصور صحیحی است اما با توجه به تعریف این پژوهش از روش‌های رفتار محور (روش‌هایی است که مستقیماً با رفتار متربی سروکار دارد و مربی می‌خواهد با استفاده از این روش‌ها، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در وی ایجاد و تثبیت نماید) و اینکه تشویق اولین و بهترین واکنش مربی در قبال عملکرد خوب متربی است از این‌رو این روش در بخش مربوط به روش‌های رفتار محور بررسی شده است.



مَائَةٌ يُغْلَبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (سوره انفال، آیه ۶۵). ای پیامبر، مؤمنان را بر کارزار تشویق کن که اگر از شما بیست تن شکبیا باشند که در جنگ پایداری کنند بر دویست تن از کافران چیره شوند؛ و اگر از شما صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز شوند، زیرا که آن‌ها گروهی ناهم و نادان‌اند ایمان و انگیزه‌ای ندارند و از این‌رو در کارزار شکبایی و پایداری نمی‌کنند.

امیر مؤمنان علی (ع) در این باره به مالک اشتر چنین سفارش کرده است: «وَوَاصِلُ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ فِعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَتُحَرِّضُ النَّاِكِلَ أَنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را (به کوشش و حرکت بیشتر) برانگیزند و از کار مانده را به خواست خدا (به کار و تلاش) ترغیب نماید.

۴- روش تنبیه^۱: آدمی به لحاظ وجود کشش‌های مختلف درونی، در برخورد با حوادث و مسائل زندگی و ظواهر دل‌فریب آن، همواره در معرض ارتکاب گناه، تخطی از مسؤولیت و وظیفه و بالاخره لغزش و اشتباه است. در چنین شرایطی است که باید به طریقی، جلو سقوط و انحطاط او را که سعادت و رستگاری دیگران را نیز تهدید می‌کند، گرفت. در این شرایط تنها تنبیه درست و طبق آداب است که می‌تواند روشی مناسب برای بیدار کردن انسان باشد که اگر انسان متنبه نشود، در گرداب حیوانیت فرو می‌رود. قرآن کریم در توصیف آنان می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۷۹). ایشان دل‌هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌ترند آری آن‌ها همان غافلان‌اند. بنابراین تنبیه در شرایط خاص بهترین وسیله نجات آدمی از هلاکت و مایه حیات بخشی است، چنان‌که خدای متعال فرموده است: «لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۷۹). ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که پروا کنید.

تنبیه و مجازات درست و طبق ضوابط نقشی اساسی در اصلاح فرد و جامعه دارد و علی‌رغم ظاهر آن، عین رحمت و محبت است و سبب پاکی و پاکیزگی فرد و جامعه می‌شود، همان‌طور که رسول خدا (ص)

۱- ممکن است عده‌ای روش تنبیه را در زمره روش‌های عاطفی به شمار آرند اما با توجه اینکه تنبیه اولین واکنش مری در قبال عملکرد ناپسند مرتبی است از این‌رو این روش در بخش مربوط به روش‌های رفتار محور بررسی شده است.



فرموده است: «حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ تَأْثِيرُ پَاك كُنْدَه حُدَى كَه دَر زَمِين بَر پَا شُود اَز شُصْت سَال عِبَادَت بِيَشْتَر اَسْت» (آرام و اخوان حكيمي، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۷).

بحث و تحلیل

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر یک از روش‌های تربیتی رفتار محور ممکن است در مقام عمل با آسیب‌هایی مواجه شود. قرآن کریم و روایات در موارد فراوانی این آسیب‌ها را مطرح کرده و نسبت به آن‌ها هشدار داده است، اینک به آن آسیب‌ها پرداخته می‌شود.

۱- آسیب‌شناسی روش امر به معروف و نهی از منکر: روش امر به معروف و نهی از منکر، صریح‌ترین روش در دعوت متری به خوبی‌ها و بازداشتن او از بدی‌هاست. بدیهی است که عدم رعایت آداب و شرایط آن، تأثیرات شدیدتری در ایجاد دافعه دارد. اینک به برخی از این آسیب‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱- عامل نبودن امر: انسان ممکن است به هر انگیزه و دلیلی در مورد چیزی سخنی بگوید یا دیگران را نسبت به آن امر و نهی کند اما زمانی می‌توان مطمئن شد که مربی به سخن و امر و نهی خود باور دارد که خود او قبل از دیگران به سخن خود عمل کند؛ بنابراین زمانی امر به معروف مری می‌تواند در متری انگیزه انجام معروف را ایجاد می‌کند که قبل از آن، خود مری در مقام عمل به گفته‌ها و اوامر خود پایبند باشد و در این صورت است که متری با جان و دل می‌پذیرد که سعادت و رستگاری او در گرو عمل به این دستورات است.

در قرآن کریم آمده: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَبَّاءٌ تُفْلُونَ» (سوره بقره، آیه ۴۴). آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب خدا را می‌خوانید؟ آیا هیچ نمی‌اندیشید؟ این آیه انسان‌هایی که دیگران را نسبت به انجام نیکی‌ها سفارش می‌کنند ولی به جهت غفلت و خود فراموشی از انجام آن کار خیر اجتناب می‌زنند را توبیخ می‌کند.

و در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ - كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (سوره صف، آیه ۳). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه نمی‌کنید؟ بزرگ دشمنی و خشمی است به نزد خدای که بگویید آنچه نمی‌کنید. در این آیه نیز مومنین را نسبت به سفارش کردن به دیگران در مورد چیزی که خود بدان عمل نمی‌کنند باز خواست کرده و آن را موجب دشمنی و خشم پروردگار می‌داند.



حضرت علی (ع) در روایتی می‌فرماید: «إِنِّي لَأَرْفَعُ نَفْسِي أَنْ أَنْهِيَ النَّاسَ عَمَّا لَسْتُ أَنْتَهِي عَنْهُ أَوْ أَمْرَهُمْ بِمَا لَا أَسْبِقُهُمْ إِلَيْهِ بِعَمَلِي أَوْ أَرْضَى مِنْهُمْ بِمَا لَا يَرْضَى رَبِّي؛ به درستی که من شأن خود را بالاتر از آن می‌دانم از این که نهی کنم مردم را از آنچه خود من از آن باز نایستم، یا این که امر کنم ایشان را به چیزی که من به آن عمل بر ایشان پیشی نگیرم، یا این که خشنود شوم از ایشان به آنچه خشنود نگرداند پروردگار مرا» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳: ۴۵).

۲-۱- **عدم رعایت آداب در امرونهی:** امر به معروف و نهی از منکر زمانی فایده تربیتی خود را به نحو مطلوبی نشان می‌دهد که آداب آن رعایت شود.

امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَامِلٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ وَ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى؛ به راستی، کسی امر به معروف و نهی از منکر کند که سه خصلت دارد: خود بدان چه امر می‌کند عمل کند و آنچه را که نهی می‌کند ترک کند، در آنچه امر می‌کند عادل باشد، دوستانه امر می‌کند و به مهربانی نهی می‌نماید» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰۹).

بر این اساس حقیقت امر به معروف آن است که امر به معروف به سخن خود عمل کند و در این امور عدالت بوزد و دوستانه و با هر زبانی امر به معروف کند.

۳-۱- **استفاده نابجا از امرونهی:** بر اساس آداب و شرایطی که در روایات شریفه در مورد اجرای این روش بیان شده اگر امر به معروف و ناهی از منکر نداند که در چه موردی از این روش و چه مواردی از روش‌های دیگر باید استفاده نمود در این صورت روش‌های تربیتی او کارایی لازم را نخواهد داشت.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَّعِظُ أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ فَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ وَ سَيْفٍ فَلَا؛ امر به معروف و نهی از منکر تنها برای هدایت مؤمنی است که ببیزد، یا ارشاد جاهلی است که یاد گیرد، نه جلادی که تازیانه و تیغ به دست دارد» (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۵۸). مراد از نادان کسی است که کار ناپسند و زشت را از سر جهل انجام می‌دهد و چون بدو تذکر دهند هیچ امتناع و مخالفتی از آموختن نمی‌ورزد نه جلادی که تازیانه و تیغ به دست دارد که برای جلوگیری او امرونهی

۱- مراد از عادل، این است که از حدود آن تجاوز نکند و در اصطلاح فقهی این است که خود هرگز مرتکب گناهان بزرگ نمی‌شود و بر ارتکاب گناهان کوچک نیز اصراری نمی‌ورزد و نخست عیب خود را اصلاح می‌کند و سپس منصفانه به امرونهی دیگران می‌پردازد (حرانی، ۱۳۸۲: ۵۷۵).



کافی نیست و چنین فردی تربیت نمی‌پذیرد؛ زیرا غالباً نصیحت در زورمندان تأثیری ندارد و هر قدرتمند و سلطانی مغرور است مگر آنکه به‌ندرت ملازم حق و ملزم پیروی از آن باشد.

۴-۱- ترک امر به معروف به بهانه ترک آن معروف از جانب مربی: چه بسا در مواردی به علت تفاوت جایگاه، شغل، محیط زندگی و ... شرایط برای انجام معروف یا ترک منکر برای مربی فراهم نباشد در این صورت او نمی‌تواند با این بهانه که خودم با این معروف یا منکر مواجه نشده‌ام از امر و نهی متربی امتناع ورزد بلکه مربی آگاه باید با ملاحظه شرایط متربی، بهترین و مفیدترین راهکارهای تربیتی را در پیش گیرد.

از حضرت علی (ع) سؤال شد: ای وصی پیغمبر آخر زمان آیا امر به معروف نکنیم مگر این که خود به همه آن‌ها عمل کنیم؟ و نهی از منکر نکنیم مگر وقتی که همه منکرات را ترک کنیم؟ حضرت در جواب آن‌ها فرمود: «لَا بَلْ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ ان لَمْ تَعْمَلُوا بِهِ كَلَّهِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ ان لَمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ كَلَّهِ؛ نه چنین نباشد بلکه امر به معروف بکنید و گر چه به همه کارهای خوب عمل نکنید و نهی از منکر بکنید گر چه همه منکرات را ترک نکنید» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۴).

۵-۱- امر و نهی دیگران بدون توجه به اصلاح خانواده: بر اساس دستورات دینی انسان در مرحله اول نسبت به خانواده خود و در مرحله بعد در مورد اقوام خود مسئول است و پس از آن در مورد سایر افراد جامعه تکلیف دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (سوره تحریم، آیه ۶). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم حفظ کنید.

و از امام صادق (ع) در مورد معنی این آیه شریفه پرسیدند که چگونه آنان را حفظ کنیم؟ فرمود: «تَأْمُرُونَهُنَّ وَ تَنْهَوْنَهُنَّ قِيلَ لَهُ إِنَّا نَأْمُرُهُنَّ وَ نَنْهَاهُنَّ فَلَا يَقْبَلْنَ قَالَ إِذَا أَمَرْتُمُوهُنَّ وَ نَهَيْتُمُوهُنَّ فَقَدْ قَضَيْتُمُ مَا عَلَيَكُمْ؛ به کارهای نیک امرشان کنید و از اعمال زشت نهیشان نمایید، گفتند: ما ایشان را امر و نهی می‌کنیم ولی آنان نمی‌پذیرند، فرمود: اگر شما آنان را امر و نهی کنید وظیفه خود را انجام داده‌اید و دیگر چیزی بر عهده شما نخواهد بود» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۴۲).

۲- آسیب‌شناسی روش ارائه الگو: ارائه الگو مناسب‌ترین روش برای تربیت متربی است و هر چه بیشتر در مورد این الگوها و نحوه ارائه آن دقت شود، پیشرفت‌های سریع‌تری در امر تربیت حاصل می‌شود. در این مجال به مواردی از آسیب‌ها اشاره می‌شود:



۱-۲- مطلق‌انگاری شخصیت‌ها و الگوهای غیر معصوم^۱: همگام با معرفی و تبیین الگوها به جوانان و هم‌زمان با آن، ضروری است به تقویت تفکر انتقادی آنان نیز اهتمام شود، این امر، مانع مطلق‌انگاری شخصیت‌ها و الگوهای غیر معصوم می‌شود؛ زیرا به غیر از ذوات مقدس اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که معصوم هستند، دیگران حتی فرزندان هم در معرض خطا و اشتباه می‌باشند و تقویت تفکر انتقادی متربی، بهترین راه پیشگیری از بدبینی و سوء برداشت است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان دینَ الله لا یعرفُ بالرجال بلْ بایةِ الحقِّ و اعرفِ الحقَّ تعرّف اهلَهُ؛ دین خدا با افراد سنجیده نمی‌گردد، بلکه نشانه‌های حق را باید معیار بگیری» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۲۹۷).

۲-۲- توقع پیروی کامل متربی از الگوها: اگر متربی احساس کند که در طی این طریق به یک‌باره باید فراتر از حد توان خود از جمیع تعلقات و آرزوها و لذت‌ها چشم پوشی کند، استقبال چندانی نسبت به تأسی از اسوه‌ها از خود نشان نمی‌دهد.

امام علی (ع) در نامه‌ای خطاب به عثمان ابن حنیف کارگزارش در بصره می‌فرماید: «ألا و ان لکلّ مأمومٍ إماماً یفتدی به و یستصیء بنور علمیه؛ ألا و ان إمامکم قد اکتفی من دنیاہ بطمریه و من طعمیه بقرضیه؛ ألا و انکم لا تقدرون علی ذلک، و لکن أعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد. فوالله ما کنزت من دنیاکم تیراً و لا اذخرت من غنائمها و فرأ و لا أعددت لبالی ثوبی طمراً؛ آگاه باشید که امام شما از دنیا به دو لباس کهنه و از خوراکی به دو قرص نان بسنده کرده است. بدانید که شما بر این کار توانایی ندارید، ولی مرا با پارسایی و سخت‌کوشی و پاک‌دامنی و استواری یاری کنید. به خدا قسم من از دنیای شما طلایی نپندوخته و از غنائم فراوان آن ذخیره‌ای برداشته و عوض این جامه کهنه‌ام جامه کهنه دیگری آماده نکرده‌ام» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۲۱۴).

۳-۲- افراط و تفریط در پردازش شخصیت الگوها: در مواردی مشاهده می‌شود در بیان الگوهای الهی آن‌قدر در تعبیرات اغراق می‌شود که مخاطب آن‌ها را موجوداتی فرا بشری تصور کرده و راه هرگونه تأسی به ساحت آنان را مسدود می‌پندارد که این امر در نهایت به ایجاد یک حالت تقدس منجر می‌شود بدون اینکه آن آموزه‌های متعالی، به زندگی روزمره بشر انتقال یابد.

۱- این نکته در مورد الگوهای غیر معصوم است اما اگر الگو، معصوم باشد خودش معیار خواهد بود و با شناخت وی، شناخت حق ممکن می‌گردد.



همچنین اگر جهت ملموس کردن و انس بیشتر مخاطب با اندیشه و رفتار ائمه اطهار(ع) سعی در عادی نشان دادن نوع برخوردهای آنان با پدیده‌های اجتماعی شود در این صورت مخاطب نوع رفتار آنان را واکنشی طبیعی و بشری بدون هیچ‌گونه نشانی از مراتب بلند عصمت دانسته و دلیلی بر تأسی گرفتن از مرام آنان نمی‌یابد. مولای متقیان علی (ع) می‌فرماید: «يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ؛ مُجِبٌ مُفْرِطٌ وَ بَاهِتٌ مُفْتَرٍ؛ دو کس درباره من هلاک شدند، یکی آنکه، در دوستی افراط می‌ورزد و یکی آنکه، بهتان می‌زند و افترا می‌بندد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶۹).

۴-۲- معرفی الگوهای نامناسب: مربی باید در میان الگوها بهترین و جامع‌ترین و مناسب‌ترین‌ها را برای مربی در نظر گرفته و آن را ارائه دهد تا مربی دچار الگوهای دروغین و کاذب نشود، از این رو قرآن کریم در مقام نشان دادن انسان کامل به‌عنوان الگو برای مؤمنان، از وجود مبارک پیامبر اسلام بهره می‌گیرد و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۲۱). هر آینه شما را در [خصلت‌ها و روش] پیامبر خدا نمونه و سرمشق نیکو و پسندیده‌ای است، برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌دارد و خدای را بسیار یاد می‌کند.

و وقتی می‌خواهد برای پاک‌دامنی و پاکی مردان الگویی معرفی نماید از حضرت یوسف (ع) نام می‌برد و می‌فرماید: «وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ اِنَّهُ رَبِّي اَحْسَنَ مَثْوَايَ اِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ - وَ لَقَدْ هَمَمْتُ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا اَنْ رَّءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (سوره یوسف، آیه ۲۳-۲۴)؛ و آن زن که او در خانه‌اش بود از وی کام خواست و درها را بیست و گفت: بیا [که تو را آماده‌ام]. گفت: پناه بر خدا! که او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشته به‌راستی که ستمکاران رستگار نشوند؛ و هر آینه آن زن آهنگ او کرد و اگر نه آن بود که او برهان پروردگار خویش بدید آهنگ وی کرده بود. این چنین [برهان خویش به او نمودیم] تا بدی و زشت‌کاری را از او بگردانیم، که او از بندگان ویژه و برگزیده ما بود.

همچنین وقتی می‌خواهد برای زنان الگوی طهارت و تقوی معرفی کند، فردی از جنس خودشان را نام می‌برد و می‌فرماید: «وَ الَّتِي اُحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا ءَايَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیا، آیه ۹۱)؛ و آن زن (مریم) را [یاد کن] که دامان عفت خویش نگاه داشت، پس از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان نشانه‌ای ساختیم.

۳- آسیب‌شناسی روش تشویق: زمانی روش تشویق کارایی خود را به نحو صحیح ایفا می‌کند که از آسیب‌هایی که در پی می‌آید در امان باشد:



۱-۳- تشویق کمتر یا بیشتر از حد مجاز: تشویق باید به اندازه باشد و به هیچ وجه از حد تجاوز ننماید، زیرا در این صورت موجب غرور و تباهی شخص می‌شود؛ و نیز نباید کمتر از اندازه باشد، زیرا نتیجه مطلوب خود را از دست می‌دهد. امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «الْتَّنَاءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ؛ ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق درماندگی یا رشک بردن است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷).

۲-۳- تشویق بدون بیان دلیل: هنگام تشویق کردن باید علت آن بر شخصی که تشویق می‌شود روشن باشد و این کار به گونه‌ای صورت گیرد که شخص خود را مستحق آن ببیند و از تأیید درونی وی برخوردار باشد.

نقل کرده‌اند که «کمیت» خدمت امام سجاد(ع) رسید و عرض کرد: شعری در مورد شما گفته‌ام و می‌خواهم وسیله تقریبی پیش پیامبر باشد. آنگاه قصیده «میمیه» خود را تا آخر خواند. چون قصیده به پایان رسید امام(ع) فرمود: «ما پاداش تو را نتوانیم داد، امید است که خداوند به تو پاداش دهد. کمیت گفت: می‌خواهم بعضی از لباس‌هایی که بدنتان را لمس کرده است به من عطا فرمایید. امام(ع) پاره‌ای از لباس‌هایش را به او داد و در حق او چنین ادعا کرد: خدایا، کمیت نسبت به خاندان پیامبر نیک انجام وظیفه کرد، آنگاه که اغلب از این کار بخل ورزیدند آنچه از حق را که دیگران پوشیده داشتند، او آشکار کرد. خدایا به او زندگی سعادت‌مندانه ببخش و شهیدش بمیران و جزای نیکش ده که ما از پاداش او ناتوانیم. کمیت بعدها گفت: پیوسته از برکت این دعا بهره‌مند بودم» (آیینه وند، ۱۳۵۹، ج ۱: ۶۳).

۳-۳- تشویق بیهوده: تشویقی می‌تواند در تربیت نقش‌آفرین باشد که وسیله رشد نیکی‌ها و کمالات یا زمینه‌ای برای تنبیه و بیداری دیگران باشد و آنان را از بدی جدا و دور سازد. امیر مؤمنان(ع) فرمود: «أَزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ؛ گناهکار را به وسیله پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷).

۴-۳- تساوی قائل شدن بین نیکوکار و بدکار: اگر نیکوکار بازتابی از کردار خود نزد مربی نیابد و بر عملکردش تشویق صورت نگیرد در این صورت تداوم کار نیک از او بسیار بعید به نظر می‌رسد.

علی(ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْأَسَاءَةِ عَلَى الْأَسَاءَةِ وَالزَّمُّ كَلَاءٌ مِنْهُمْ مَا أَلَزَمَ نَفْسَهُ؛ باید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان نباشند چنین روشی نیکوکاران را از نیکی



بازمی دارد و بدکاران را به بدی تشویق می کند و هر یک از ایشان را به آنچه خود برای خود برگزیده است پاداش و کیفر ده» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۳-۵- تشویق در زمان یا شرایط نامناسب: تشویق باید به موقع و در صورت امکان در حضور جمع انجام گیرد تا تأثیر مشخص و کارایی مثبتی بر فرد و دیگران داشته باشد. به عنوان نمونه می توان از رفتار پیامبر در تشویق حسان بن ثابت در غدیر خم یاد کرد.

پس از آنکه رسول خدا (ص) در غدیر خم علی (ع) را به عنوان پیشوای خلق پس از خود معرفی کرد و فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست و بر شماست که به راستی پیرو او باشید. خداوند، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن دار.

حسان بن ثابت از پیامبر (ص) اجازه خواست تا اشعاری درباره علی (ع) و غدیر خم و نصب آن حضرت به امامت و خلافت بسراید، پیامبر (ص) نیز فرمود: ای حسان، به میمنت و برکت الهی بسرای و حسان شعری زیبا سرود و خواند. چون حسان شعر خود را خواند، رسول خدا (ص) در قدردانی از او فرمود:

«لَا تَزَالُ يَا حَسَّانُ مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا نَصَرْتَنَا بِلِسَانِكَ؛ ای حسان تا آن زمان که ما را به زبان خود یاری می کنی، از تأییدات روح القدس بهره مند گردی» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۷۸).

۴- آسیب شناسی روش تنبیه: مادامی که برای تربیت از روش های دیگر بتوان استفاده کرد، بهتر است از روش تنبیه استفاده نشود و چه بسا اگر از روش های دیگر به نحو صحیح استفاده شود، هیچ گاه نیازی به تنبیه نباشد. از این رو شاید بتوان گفت این روش در موارد زیادی، آخرین روش برای تربیت متربی باشد در عین حال، زمانی از این روش می توان استفاده نمود که دستخوش آسیب هایی مانند آنچه در پی می آید نشود. اینک به آن آسیب ها اشاره می شود:

۴-۱- استفاده از تنبیه به جای مدارا: این حقیقت را نباید از یاد برد که تنبیه و مجازات اصالت ندارد آنچه اصل است رحمت و محبت و گذشت و بخشش است و هیچ چیز چون ملایمت و مدارا در تربیت آدمی مؤثر نیست. پس تا آنجا که می شود باید با رحمت و محبت و بخشش و گذشت آدمیان را از بدی جدا کرد و رو به اصلاح برد (دلشاد تهرانی ۱۳۸۲: ۳۵۸-۳۶۰).

خداوند رحمان فرموده است: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۴)؛ و آنان که خشم خود را فرو می برند و از مردم درمی گذرند؛ و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.



کسانی می‌توانند در راه تربیت به‌درستی گام زنند که بتوانند رحمت و محبت خود را بر خشم و غضب چیره گردانند و جز از سر لطف و مرحمت دست به تنبیه و مجازات نگشایند و اهل بخشش و گذشت باشند.

در سخنان نورانی امیر مؤمنان(ع) چنین وارد شده است: «صَادُوا الشَّرَّ بِالْخَيْرِ؛ به وسیله خوبی با بدی بستیزید»(خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۲۳۲).

و در روایتی دیگر فرمود: «صَادُوا الْقِسْوَةَ بِالرَّقَّةِ؛ از راه نرمی و مدارا با سخت‌دلی بستیزید»(خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۲۳۲). اصل و اساس در تربیت، رحمت و گذشت است و تنبیه و مجازات تبع آن است و خود جلوه‌ای است از دوستی و محبت برای اصلاح و تربیت.

۲-۴- ترک تنبیه در صورت ضرورت استفاده از آن: تا آنجا که ممکن است باید مدارا کرد و از تنبیه پرهیز نمود و اما زمانی که چاره‌ای جز تنبیه نبود، باید از آن به‌عنوان آخرین روش بهره گرفت زیرا آنان که با مدارا و ملایمت اصلاح نمی‌شوند، با تنبیه و مجازات اصلاح می‌شوند، چنانکه امیر مؤمنان علی(ع) فرموده است: «مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حُسْنُ الْمُدَارَاةِ أَصْلَحَهُ سُوءُ الْمُكَافَاةِ؛ کسی که با خوش‌رفتاری اصلاح نشود، بدی کیفر کردن او را اصلاح می‌کند»(خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۲۵۰).

۳-۴- تنبیه بیش از میزان خطا: تنبیه باید سنجیده و حساب‌شده باشد و از میزان خطا و جرم شدیدتر نباشد که در این صورت تأثیر مثبت خود را از دست می‌دهد و موجب عکس‌العمل می‌شود.

پیامبر اسلام (ص) در جواب مردی که عرض کرد: خانواده‌ام نافرمانی می‌کنند، چگونه آنان را تنبیه کنم؟ فرمود: آنان را ببخش. آن شخص برای بار دوم و سوم سؤال خود را تکرار کرد و پیامبر(ص) نیز همان پاسخ را داد. آنگاه حضرت فرمود: «اغفر، فَإِنَّ عَاقِبَتَ فِعَالِقَبِ بِقَدْرِ الذَّنْبِ وَ اتَّقِ الْوَجْهَ؛ گناه کسان را ببخش و اگر مجازات می‌کنی به قدر گناه مجازات کن و صورت را میازار» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

همچنین از امیرمؤمنان علی(ع) روایت شده است که فرمود: «الإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ؛ افراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزون‌تر می‌کند» (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۸).

۴-۴- تنبیه بدون بیان علت: شخصی که تنبیه می‌شود باید نسبت به تنبیه خود توجیه باشد و بداند که چرا مجازات می‌شود و باید این امر به‌گونه‌ای باشد که شخص خود را مستحق آن ببیند و از تأیید درونی وی برخوردار باشد تا تأثیر بیدارکننده و بازدارنده و اصلاح‌کننده داشته باشد.

نقل کرده‌اند که یکی از دوستداران علی(ع)، سرقتی کرد، او را نزد امیر مؤمنان(ع) آوردند. پس از آنکه اقرار کرد و مسلم شد که باید حد بخورد، امام(ع) چهار انگشت دست راست او را قطع کرد، پس آن فرد



دست قطع شده را به دست چپ گرفت و درحالی که قطرات خون می‌چکید بیرون رفت. «ابن الکوا» که از خوارج بود، با دیدن این صحنه فرصت را مغتنم شمرد و پیش رفت و از آن مرد پرسید: چه کسی پنجه‌ات را قطع کرده است؟ او که منظور ابن الکوا را از دلسوزی دروغینش دریافته بود، گفت: پنجه‌ام را سید اوصیای پیامبران برید، پیشوای روسفیدان قیامت، ذی‌حق‌ترین مردم نسبت به مؤمنان، علی بن ابی‌طالب (ع) امام هدایت و همسر فاطمه زهرا دخت محمد مصطفی، ابوالحسن مجتبی و ابوالحسین مرتضی، انتقام گیرنده از جهالت پیشگان، بخشنده زکات، پسرعموی رسول خدا، رهبر راه رشد و کمال، گوینده گفتار راستین، شجاع مکی، بزرگوار باوفا.

ابن الکوا با شنیدن این سخنان برآشفست و گفت: وای بر تو ای سیاه! دستت را قطع می‌کند و تو این‌گونه ثنائیش می‌گویی؟ پاسخ داد: چرا ثنائیش نگویم درحالی‌که محبتش با گوشت و خونم آمیخته است؟ به خدا سوگند که دستم را جز به‌حق نبرید تا مرا از مجازات آخرت نجات دهد! (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۰: ۲۸۱ - ۲۸۲).

۵-۴- تنبیه بدون قصد اصلاح: تنبیه باید به انگیزه اصلاح باشد؛ بنابراین اگر در موردی بدون تنبیه یا با اندک تنبیه‌ی، غرض حاصل شد استفاده بیشتر از تنبیه به‌قصد تشفی خاطر مربی یا بهانه‌جویی یا آزردن مربی، امری است که مورد نکوهش خدای سبحان قرار گرفته است در سوره مبارکه نساء آمده است:

«وَ اللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (سوره نساء، آیه ۳۴). زنانی که از سرکشی و نافرمانی‌شان بیم دارید، نخست پندشان دهید و اگر مؤثر نیفتاد جامه خواب را از آن‌ها جدا کنید و اگر باز سودمند نشد بزیندشان. پس اگر از شما فرمان بردند، راهی - بهانه‌ای - بر آنان - برای ستم و آزار - مجوید. همانا خداوند والا و بزرگ است.

در تفسیر المیزان آمده: «اگر در اثر اعمال آن سهرامه علاج به اطاعت شما درآمدند، دیگر علیه آنان بهانه‌جویی مکنید و باینکه اطاعت شما می‌کنند برای اذیت و آزارشان دنبال بهانه نگردید و در آخر این مطلب را تعلیل می‌کند به این که «آن الله کان علیاً کبیراً» (سوره نساء، آیه ۳۴). همانا خداوند والا و بزرگ است. پس از قدرت و تفرقی که بر زنان خود دارند مغرور نشوند و سوءاستفاده ننموده در اثر غرور به آن‌ها ظلم و استعلا و استکبار نکنند و همواره به یاد علو مقام پروردگارشان باشند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۳۴۶).



۶-۴- تنبیه در هنگام غضب: لازم است که هر یک از اقسام تنبیه، بخصوص تنبیه بدنی، تنها با انگیزه تربیت و از روی دلسوزی و علاج درد باشد و به‌عنوان داروی سمی و تلخی که به‌ناچار باید از آن به‌قدر ضرورت استفاده کرد صورت پذیرد، نه برای فروکش دادن غضب خود و تنها در این صورت است که می‌توان به نقش اصلاحی آن امیدوار بود وگرنه چه‌بسا ممکن است عنان اختیار از دست تنبیه گر خارج شده و از حد معقول و مفید و مشروع آن تجاوز کند و با این کار از زمره مریبان خارج شده در شمار ستمگران و متجاوزان محسوب شود.

در روایت آمده است: «نهی رسول‌الله(ص) عَنِ الْأَذْبِ عِنْدَ الْغَضَبِ؛ پیامبر اکرم(ص) از تأدیب هنگام چیرگی خشم، نهی کردند» (طبرسی، ۱۳۸۵ ق: ۳۰۸).

۷-۴- تنبیه بیش از حد مجاز: در برخی روایات سخن از تحدید و بیان تعداد مجاز زدن در تنبیه بدنی است و تجاوز از آن موجب قصاص و تلافی است.

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: عده‌ای از کودکانی که نوشتن می‌آموختند، نوشته‌های خود را به امیر مؤمنان(ع) عرضه کردند تا بهترین آن‌ها را برگزیند. آن حضرت فرمود: توجه داشته باشید که این کار، خود نوعی داوری است و ستم در آن مانند ستم در حکومت و قضاوت است، به معلم خود ابلاغ کنید که اگر در مقام ادب کردن بیش از سه ضربه به شما وارد آورد، از او قصاص گرفته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۸: ۳۷۲).

نتیجه‌گیری

پژوهش فوق با عنوان آسیب‌شناسی روش‌های تربیت رفتار محور باهدف پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده به نتایج زیر دست‌یافت:

قرآن کریم و روایات شریفه برای اصلاح رفتار انسان روش‌های مهمی را توصیه کرده است و نسبت به آسیب‌های آن هشدار داده است. یکی از مهم‌ترین روش‌ها، روش امر به معروف و نهی از منکر است قرآن و روایات ضمن اینکه به اهل ایمان توصیه می‌کند با انجام امر به معروف و نهی از منکر خود و خانواده را از آتش جهنم نجات دهد و حتی انجام آن فریضه مهم را در کنار ایمان به خدای یکتا، دلیل برتری امت اسلام می‌داند در عین حال مواردی مانند عامل نبودن امر، خشونت در امر و نهی، امر و نهی دیگران قبل از خودسازی و اصلاح خانواده را به‌عنوان آسیب‌هایی این روش مطرح کرده و نسبت بدان هشدار می‌دهد.



دومین روش مورد تأکید قرآن کریم برای اصلاح رفتار، روش ارائه الگو است. قرآن کریم ضمن یاد کرد از پیغمبر اکرم(ص) و حضرت ابراهیم (ع) به‌عنوان اسوه حسنه، جهانیان را به الگوگیری از آنان فراخوانده است در این منابع مواردی مانند مطلق‌انگاری شخصیت‌ها و الگوهای غیر معصوم، توقع پیروی کامل متربی از الگوها، افراط و تفریط در پردازش شخصیت الگوها، ارائه الگوی نامناسب، استفاده از الگوهای ضعیف را از آسیب‌هایی این روش برمی‌شمارد.

سومین روش توصیه‌شده در آیات و روایات، روش تشویق است؛ زیرا تشویق و قدردانی میل به کمال بیشتر را در انسان برمی‌انگیزد. خداوند متعال در قرآن کریم در موارد متعددی مؤمنان را مورد تشویق قرار داده است و پیامبر گرامی‌اش را فرمان می‌دهد که مؤمنان را مورد تشویق قرار دهد و نسبت به آسیب‌های آن هشدار می‌دهد که عبارت‌اند از: تشویق کمتر یا بیشتر از حد مجاز، تشویق بدون بیان علت، تشویق بیهوده، تساوی قائل شدن بین نیکوکار و بدکار، تشویق دیر هنگام.

چهارمین روش کاربردی در فرایند اصلاح رفتار روش تنبیه است؛ زیرا در برخی موارد انسان‌ها در برابر سایر ابزارهای تربیتی واکنش مثبتی ندارند در این شرایط تنها تنبیه درست و طبق آداب بهترین وسیله نجات آدمی از هلاکت و مایه حیات‌بخشی است، چنان‌که خدای متعال فرموده است: ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که پروا کنید و تأثیر تنبیه مشروط به این است که از آسیب‌هایی که در پی می‌آید به دور باشد. استفاده از تنبیه به‌عنوان اولین روش تربیتی، استفاده از تنبیه در وقت لزوم مدارا، تنبیه بیش از میزان خطا، تنبیه بدنی در صورت امکان استفاده از سایر روش‌های تنبیهی، استفاده زیاد از یک نوع تنبیه، تنبیه بدون قصد اصلاح، تنبیه مخفیانه در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، تنبیه بدون پیگیری و حل مشکل.

با بررسی‌های انجام شده روشن شد که چگونه می‌توان با استفاده از روش‌های مورد اشاره و پرهیز از آسیب‌هایی که در آیات و روایات نسبت به آن‌ها هشدار داده شده است متربی را در اصلاح رفتار خود یاریگر بود تا جایی که با اصلاح رفتار خود در کنار اصلاح اخلاق و برخورداری از ایمان به خدای یکتا به آن حیات طیبه موعود قرآن کریم دست یافته و از خسران در دنیا و آخرت رهایی یابد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح.
۳. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده.
۴. آرام، احمد و اخوان حکیمی (۱۳۸۰)، الحياه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. آيينه وند، صادق (۱۳۵۹)، ادبيات انقلاب در شيعه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق)، لسان العرب، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت، تهران: مدرسه.
۹. بهشتی، محمد و همکاران (۱۳۷۹)، آراء دانشمندان مسلمان در تربیت، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۱. حاجی ده آبادی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۰)، تربیت اسلامی (مجموعه مقالات ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی)، تهران: تربیت اسلامی.
۱۲. حر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت (ع).
۱۳. حرانی، حسن ابن شعبه (۱۳۸۲)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنتی، تهران: موسسه امیرکبیر.
۱۴. حرانی، حسن ابن شعبه (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۵. خوانساری، جمال‌الدین (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، ج ۵، تهران: دریا.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. دیلمی، حسن (۱۴۱۲ ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی.





۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷ ق)، **مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، چ ۲، قم: طلیعه النور.
۲۰. رضایی، محمد و مهدوی پارسا، حسین (۱۳۸۹)، **آسیب شناسی روش های تربیتی**، مشهد: قدس رضوی.
۲۱. رضایت، غلامحسین (تابستان ۱۳۹۴)، «روش های تربیت کودک تا هفت سالگی در اندیشه امام علی(ع)»، **فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، سال ۲۳، شماره ۲۷.
۲۲. سیف، علی اکبر (۱۳۶۸)، **روان شناسی پرورشی**، چ ۴، تهران: نشر آگاه.
۲۳. صالحی، اکبر (زمستان ۱۳۹۳)، «نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روش های تربیتی»، **فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، سال ۲۲، شماره ۲۵.
۲۴. صدوق، علی بن محمد بابویه قمی (۱۳۶۲)، **الخصال**، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. صدوق، علی بن محمد بابویه قمی (۱۴۰۴ ق)، **من لا یحضره الفقیه**، چ ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۲۷. طبرسی، علی بن الحسن (۱۳۸۵ ق)، **مشکاة الانوار**، چ ۲، نجف: حیدریه.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، **الأمالی**، قم: دار الثقافه.
۲۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، **تفسیر نور الثقلین**، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۰. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۸)، **روش های آسیب زا در تربیت**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، تهران: نشر اسلامی.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، قم: صدرا.
۳۴. معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی**، یک جلدی، چ ۴، تهران: ساحل.



۳۵. مفید، محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۳ ق)، **مصنفات الشيخ المفید (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد)**، المجلد الحادی عشر، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه ذکرى المفید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. موسوی کاشمری، سید مهدی (۱۳۷۹)، **روش‌های تربیت**، قم: دفتر تبلیغات.
۳۸. هاشمی طامه، منصوره سادات (۱۳۹۳)، **تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی (ع)**، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۹. یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، **تربیت دینی فرزندان**، قم: زمزم هدایت.